

بسم الله الرحمن الرحيم

درس تفسیر قرآن کریم سال چهارم 1403-1404

انه لقران کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون

امسال سال چهارم ما در تفسیر است. سال اول مباحثی را در مورد فلسفه تفسیر مطرح کردیم. شاید سال دوم هم برخی از مباحث فلسفه تفسیر مطرح شد و در ادامه به خود قرآن پرداختیم. قرار این شد که به صورت ترتیبی آیات را مطرح کرده و تفسیر کنیم منتهی اگر به موضوعی مهمی بر خوردیم تفسیر را موضوعی کنیم. اگر موضوعی پر بحث بود به صورت موضوعی مطرح می کنیم.

سال گذشته آخرین آیه ای که مطرح کردیم آیه 38 بقره بود. من می خواستم گزارشی قرآنی در مورد خلقت آدم داشته باشم اما نشد. امروز بحث خودمان را تحت عنوان گزارش قرآنی در مورد خلقت آدم آغاز می کنیم. البته شما پرونده را تکمیل کنید. ضمناً در طول سه سال شما بزرگواران حس کرده اید که ما آیه به آیه، کلمه و کلمه تفسیر نمی گوئیم این کار را دیگران انجام داده اند. ما پاراگراف پاراگراف به آیات نگاه می کنیم مثلاً اگر امروز برسیم از آیه 40 تا 61 یعنی 22 آیه، در این آیات خداوند در مورد سرنوشت بنی اسرائیل صحبت می نماید. همه این آیات برای ما یک پاراگراف حساب می شود. البته ما یک گزارش کلی از آیات می دهیم اما بقیه را به خود دوستان واگذار می کنیم. چرا که درس ما هفته ای یک روز است و نمی شود در یک روز تمام مطالب را مطرح کرد.

مثلاً در آیاتی که امروز در پیش داریم بحث شفاعت نیز مطرح است. بحث شفاعت بحث کلامی بسیار مفصل و مهم است؛ مباحثی مثل ماهیت شفاعت، شبهاتی که در اطراف شفاعت مطرح است شرایط شفاعت کننده و شونده، حدود شفاعت، آثار فردی و اجتماعی شفاعت و... این مباحث درخور یک پایان نامه یا کتاب 400 یا 500 صفحه ای است البته در این باره مطالب زیادی نگاشته شده است اما هنوز هم مطالب زیادی مانده است. ما این مدل بحث ها را در تفسیر وارد نمی شویم فقط گزارش می دهیم و رد می شویم.

اما اولین بحث امروز ما که بحث جدیدی هم هست بحث گزارش قرآنی در مورد خلقت آدم (به صورت یکجا) است. هم بحث به روزی است هم مهم است.

اگر اهل مسائل زیست باشید آن بحث معروف جهانی ثبوت انواع در بشر (فیکسیسم) یا تکامل انواع (ترانسفورمیسم) را ملاحظه کرده اید. یکی از بحث های که در قرآن جای بحث و گفتگو دارد همین بحث است. بحث دیگر هم این است که آیا جناب آدم اولین خلق از بشر است یا تاریخ جناب آدم به هشت هزار سال و خورده ای می رسد. اگر قطعه قطعه هم حساب کنیم پیامبر اکرم، جناب عیسی، جناب موسی، جناب ابراهیم، جناب نوح و آدم البته با فاصله ای که با هم دارند اما بیش از هشت هزار سال و خورده ای نمی شوند.

البته کسانی که قائل به ثبوت انواع هستند و تکامل انواع را نمی پذیرند عمر بشر را هشت هزار سال و... نمی دانند بلکه معتقدند چند صد هزار سال است.

این ها مسائلی است که برای مفسر قرآن پیش می آید شما نمی توانید به عنوان یک فاضل روحانی به روز بگویید این مسائل را نمی دانم. البته اشکال ندارد انسان بگوید نمی دانم اما این ندانستن جالب نیست چرا که طلبه باید یک اطلاعاتی در مورد این مسائل داشته باشد.

استاد: ما سال 54 یا 55 که قم آمدیم این بحث (تکامل یا ثبوت انواع) از داغ ترین بحث ها بود. مثال داغ سیاسی اش امروز

مانند بحث فلسطین و اسرائیل و... حتی این بحث، حوزه را دو قسم کرده بود برخی قائل به تکامل انواع و برخی دیگر قائل به ثبوت انواع شده اند. برخی هم مثل علامه طباطبائی ساکت بوده اند. ایشان می فرمود ظاهر قرآن فیکسیم است ولی اگر تکامل انواع هم ثابت شود خلاف قرآن نیست. ما هم آن زمان نوجوان ماجراجو بودیم حتی در آن زمان من چند کتاب از دو طرف خواندم. مثل کتاب خلقت انسان یا کتاب آقای مشکینی (خلقت انسان) نظرات آقای طباطبائی و... در قرآن طبق تتبعی که انجام شده است ما پنج آیه در مورد منشا خلقت انسان داریم؛ سه آیه در مورد خلق بشر داریم پنج آیه خلق بنی آدم سه آیه خلق آدم و یک آیه خلق ناس. در قرآن راجع به خلقت انسان از نطفه پنج آیه داریم. از ماء دافق یک آیه از صلصال (گل خشک) دو آیه از علق یک آیه از طین سه آیه در این آیات تعبیر قرآن انسان است. حال سوال: چرا در قرآن گاهی تعبیر به آدم می آید گاهی تعبیر به انسان؟ گاهی می فرماید: خلق الانسان من ماء دافق ... گاهی می فرماید: ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب ... این نکته ای دارد که باید پیگیری کنید.

راجع به خلق بشر گاهی قرآن می فرماید از آب (یک آیه) صلصال (یک آیه) از طین (یک آیه) در قرآن از خلق بنی آدم هم صحبت شده است. گاهی گفته شده از تراب خلق شده اند. حال باید اینجا تامل کرد که بنی آدم چطور از تراب خلق شده اند آیا به اعتبار پدرشان چنین تعبیر شده است؟ (4 آیه) از نفس (3 آیه) طین (دو آیه) الارض (یک آیه) ماء (یک آیه) خلق آدم (جد ما) از طین (3 آیه)، صلصال 1 آیه، خاک (یک آیه) اما در مورد خلق ناس، در قرآن یک آیه داریم که از تراب خلق شده است. آیا می توان گفت اقتضای ادله این است که بر انسان مراحل گذشته است در ابتدا خاک بوده است بعد تکامل پیدا کرده و... سپس به تکامل انواع متمایل شویم. یا حساب آدم و بعد از آدم رو از انسان های گذشته جدا کنیم. می دانید که ارتکاز عموم مسلمان این است که خداوند آدم را از تراب خلق کرده با بحث های که قبلاً عرض کردیم. این ها جای بحث دارد؛ باید ادله مدیریت شود. ممکن است برخی از آقایان فکر کنند که جمع بین ادله، تعارض، عام، خاص، جمع عرفی و... برای بحث های فقهی است اما این درست نیست این قواعد اصولی در غیر از فقه هم جریان دارد. در بحث خلقت انسان هم این قواعد جریان دارد. استاد: اگر از ما بپذیرد ما این بحث را تمام شده تلقی کنیم و تتبع در این مساله را برای شما بگذاریم. گزارش قرآنی در مورد خلقت انسان، آدم و بشر ... بحث جدیدی است و جای کار دارد و موضوع تکراری هم نیست. طبیعتاً در نوشتار باید ادله را مدیریت کنید به سوال تکامل یا ثبوت انواع پاسخ دهید؛ وضعیت آدم قبل از خلقت آدم را بررسی کنید و... این نوشته چیز خوبی می شود. اما رسالت ما الان بیان چنین بحث های نیست.

آیه 39 سوره بقره

والذین کفروا و کذبوا بآیاتنا اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون.
ترجمه: کسانی که کفر ورزیده اند (فساد عقیده) و کذبوا (فساد در رفتار و سلوک) اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون فقط فقره هُم فیها خالدون برای شما بحث دارد.
صدها سال است شبهه خلود در آتش را مطرح می کنند الان نیز مطرح است. یکی از آقایان بیرون از مرز بحث دین و قدرت را که مطرح می کند بر روی این آیات خیلی مانور می دهد و می گوید: قرآن کتاب شکنجه است و... اگر احیاناً آن حرف ها را مطالعه کردید جواب ما دین و حکمت را ببینید. اگر یادتان باشد ما در تفسیر الرحمن الرحیم در بسملة جلسه 16 و 17 سال 401 و 402 بحث خلود را مطرح کردیم. اگر شما یادتان است که فبها و اگر یادتان نیست رجوع کنید. ما در آنجا چند جواب را مطرح کرده ایم.

ما می گفتیم از آیات قرآن، دو جهنم و دو بهشت برداشت می شود یکی بهشتی که انسان در آن است و یکی بهشتی که در انسان است. انسان در جهنم و جهنم در انسان ...

ما و شما اعمالمان در قیامت خلق نمی شود بلکه قیامت یوم تبلی السرائر است یعنی جهنم درون یا بهشت درون آشکار می شود. اما این آیه از جهنم بیرون خبر می دهد می فرماید: هم فیها نمی فرماید: هی فیهم ... می دانید خلود در جهنم درون فهمش راحت تر است تا خلود در جهنم بیرون؛ جهنم درون برای خود انسان است در ذات خود انسان است اما وقتی جهنمی در بیرون است و انسان را به جهنم می برند مساله متفاوت می شود. به جواب های که ما قبلاً دادیم مراجعه کنید. ما آنجا در آخر کار گفتیم قرآن می فرماید خلود

شما آقایان نگران این هستید که خلود حق برخی ها نیست و این خلود ظلم به گنهکار است و... ما در پاسخ می گوئیم به محکومات قرآن رجوع کنید. قرآن می فرماید: ان الله لیس بظلام للعبید ... نه للعبید بلکه خدای متعال به هیچ موجودی ظلم نمی کند خدا حتی به حیوان و جمادات هم ظلم نمی کند. ما باید متشابهات را به محکومات برگردانیم. قرآن خلود را دارد از طرفی هم از محکومات قرآن این است که خداوند نه نیاز به ظلم دارد و نه ظلم می کند.

ظلام ... یعنی هیچ نسبتی با ظلم ندارد. ظلام صیغه مبالغه به معنای اینکه زیاد ظلم نمی کند نیست بلکه می فرماید: هیچ نسبتی با ظلم ندارد.

صدام، هیتلر، موسولینی، آنها که در صدر اسلام ظلم کرده اند و... این ها اگر عذاب ابدیشان ظلم نیست خلود جریان پیدا می کند. و الا فلا

در مورد وضعیت نعمت ها در آخرت برخی می گویند ما رفتیم بهشت آنجا شراب هم خوردیم هزاران حوری هم دادند شیر هم خوردیم و... ثم ماذا بعد هذا؟

پاسخ: این ها در قرآن آمده است اما به قول علامه طباطبایی کیفیت نعمت، عذاب و... در این قالب ها بیان شده است اما اینکه آیا قالب آخرت هم مثل دنیا است یا نه معلوم نیست.

باید برویم در آخرت خودمان ببینیم.

به مناسبت عرض کنم آیا معاد روحانی است یا جسمانی یا جسدانی؟ معمولاً این سوال را ثنایی می پرسند و می گویند آیا روحانی است یا جسمانی اما دقیق تر این است ثلاثی باشد.

هر کدام هم قائلانی دارد شاید ظاهر قرآن هم معاد جسمانی یا جسدانی باشد. اما اینکه تکفیر یا تفسیق قول مخالف بکنیم درست نیست.

یک جلسه ای چند روز پیش برگزار شد در مورد آیات قرآن یک استاد دانشگاهی نظری داشت و رشته او هم در مایه های فیزیک و شیمی بود وقتی ایشان نظریه اش را مطرح کرد من اشکالی مطرح کردم و گفتم ممکن است است نظر شما سر از سمبولیک بودن بیانات قرآن در بیاورد. بعد هم به او گفتم این را در کرسی ها مطرح کن و... اما با کمال تاسف یکی از دوستان ما با عصبانیت و ناراحتی برخورد کرد. چرا تکفیر و تفسیق می کنید؟! آیا ما یک قرآنی خوانده ایم آقایان یک قرآن دیگری! آیا ما یک دینی خوانده ایم آنها یک دین دیگر!

ابن ابی العوجا سخیف ترین حرف ها را می زند اما امام علیه السلام مودبانه به او پاسخ می دهند.

ما به صاحب دین و قدرت می گوئیم بله قرآن این آیات را دارد اما خداوند ظلام نیست.

تناسب بین جرم و جریمه را قبول داریم اگر هم جای تناسب نیست شما علمش را به اهلش واگذار کنید. تکفیر و تفسیق هم

نکنیم چقدر فلاسفه را در طول تاریخ به خاطر پذیرش معاد روحانی لعن کرده اند و...

هفته آینده بحث در آیات 40 تا 61 است این آیات در مورد بنی اسرائیل است و اهمیت خاصی دارد چرا که ما روایات متعددی داریم که می فرماید: آنچه به قوم بنی اسرائیل گذشته است و می گذرد بر شما هم می گذرد.

البته این های که امروز هستند قوم بنی اسرائیل نیستند بلکه یهودیت و صهیونیسم سیاسی هستند.

انشالله برای هفته آینده پیش مطالعه بفرمایید.

جناب آیت الله جوادی آملی در ج 4 تفسیر تسنیم که بیش از 800 صفحه است به همین فقره اختصاص داده است.

والحمد لله رب العالمین